

فارسى يازدهم

فارسى (۲) - دوره دوم متوسطه
رشته‌های ریاضی-تجربی-انسانی

قابل استفاده دبیران ادبیات و دانش‌آموزان

♦ دکتر علی سلطانی‌گرد فرامرزى

فهرست اطلاعات

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۶۵	فصل سوم ◀ ادبیات غنایی	۵	مقدمه
۶۷	درس ششم: پروردهٔ عشق	۷	◀ ستایش: لطف خدا
۷۱	کارگاه متن‌پژوهی	۱۱	فصل یکم ◀ ادبیات تعلیمی
۷۲	گنج حکمت: مردان واقعی	۱۳	درس یکم: نیکی
۷۳	درس هفتم: باران محبت	۱۶	کارگاه متن‌پژوهی
۷۸	کارگاه متن‌پژوهی	۱۷	گنج حکمت: همت
۸۱	شعرخوانی: آفتاب حُسن	۱۸	درس دوم: قاضی بُست
۸۳	آزمون تشریحی	۲۴	کارگاه متن‌پژوهی
۸۵	پاسخ آزمون تشریحی	۲۵	شعرخوانی: زاغ و کبک
۸۷	آزمون چهارگزینه‌ای	۲۷	آزمون تشریحی
۹۱	پاسخ آزمون چهارگزینه‌ای	۲۹	پاسخ آزمون تشریحی
۹۳	فصل چهارم ◀ ادبیات پایداری	۳۱	آزمون چهارگزینه‌ای
۹۵	درس هشتم: در امواج سند	۳۵	پاسخ آزمون چهارگزینه‌ای
۹۹	کارگاه متن‌پژوهی	۳۷	فصل دوم ◀ ادبیات سفر و زندگی
۱۰۰	گنج حکمت: چو سرو باش	۳۹	درس سوم: در کوی عاشقان
۱۰۱	درس نهم: آغازگری تنها	۴۴	کارگاه متن‌پژوهی
۱۰۷	کارگاه متن‌پژوهی	۴۵	گنج حکمت: چنان باش ...
۱۰۹	روان‌خوانی: تا غزل بعد ...		درس چهارم: درس آزاد (ادبیات بومی)
۱۱۳	آزمون تشریحی	۴۶	درس پنجم: ذوق لطیف
۱۱۵	پاسخ آزمون تشریحی	۵۰	کارگاه متن‌پژوهی
۱۱۷	آزمون چهارگزینه‌ای	۵۲	روان‌خوانی: اولین روزی که به خاطر دارم
۱۲۱	پاسخ آزمون چهارگزینه‌ای	۵۵	آزمون تشریحی
۱۲۳	نمونه آزمون نیمسال اول	۵۷	پاسخ آزمون تشریحی
۱۲۵	پاسخ نمونه آزمون نیمسال اول	۵۹	آزمون چهارگزینه‌ای
		۶۳	پاسخ آزمون چهارگزینه‌ای

فصل هفتم ◀ ادبیات داستانی ۱۷۷

۱۷۹	درس پانزدهم: کبوتر طوقدار
۱۸۳	کارگاه متن پژوهی
۱۸۴	گنج حکمت: مهمان ناخوانده
۱۸۶	درس شانزدهم: قصه عینکم
۱۸۹	کارگاه متن پژوهی
۱۹۱	روان خوانی: دیدار
۱۹۶	آزمون تشریحی
۱۹۸	پاسخ آزمون تشریحی
۲۰۰	آزمون چهارگزینه‌ای
۲۰۴	پاسخ آزمون چهارگزینه‌ای

فصل هشتم ◀ ادبیات جهان ۲۰۷

۲۰۹	درس هفدهم: خاموشی دریا
۲۱۲	کارگاه متن پژوهی
۲۱۳	گنج حکمت: تجسم عشق
۲۱۴	درس هجدهم: خوان عدل
۲۱۷	کارگاه متن پژوهی
۲۱۸	روان خوانی: آذرباد
۲۲۳	◀ نیایش: الهی
۲۲۵	آزمون تشریحی
۲۲۷	پاسخ آزمون تشریحی
۲۲۹	آزمون چهارگزینه‌ای
۲۳۳	پاسخ آزمون چهارگزینه‌ای
۲۳۵	آزمون امتحان نهایی
۲۳۷	پاسخ آزمون امتحان نهایی

فصل پنجم ◀ ادبیات انقلاب اسلامی ۱۲۷

۱۲۹	درس دهم: رباعی‌های امروز
۱۳۱	کارگاه متن پژوهی
۱۳۳	گنج حکمت: به یاد ۲۲ بهمن
۱۳۵	درس یازدهم: سپیده می‌آید
۱۳۶	کارگاه متن پژوهی
۱۳۸	شعرخوانی: مثنوی عاشقی
۱۴۰	آزمون تشریحی
۱۴۲	پاسخ آزمون تشریحی
۱۴۳	آزمون چهارگزینه‌ای
۱۴۶	پاسخ آزمون چهارگزینه‌ای

فصل ششم ◀ ادبیات حماسی ۱۴۹

۱۵۱	درس دوازدهم: کاوه دادخواه
۱۵۸	کارگاه متن پژوهی
۱۵۹	گنج حکمت: کاردانی
	درس سیزدهم: درس آزاد (ادبیات بومی)
۱۶۱	درس چهاردهم: حمله حیدری
۱۶۶	کارگاه متن پژوهی
۱۶۷	شعرخوانی: وطن
۱۶۹	آزمون تشریحی
۱۷۱	پاسخ آزمون تشریحی
۱۷۳	آزمون چهارگزینه‌ای
۱۷۶	پاسخ آزمون چهارگزینه‌ای

«به نام پروردگاری که سخن گفتن به ما آموخت»

مقدمه:

دیران دانشمند و بزرگوار، دانش آموزان گرامی و دانش دوست، مطالب این کتاب، دقیقاً بدین گونه است:

- معنی تمام واژه‌ها به ترتیب کاربرد آنها در درس.

- نشان دادن آرایه‌های ادبی به ترتیب کاربرد آنها.

- شرح دقیق معانی ابیات و عبارات هر درس.

- معرفی مؤلفان و شاعران در درس‌ها.

- پاسخ دادن به موارد گوناگون در بخش متن پژوهی.

- در پایان هر فصل، طرح یک آزمون کامل تشریحی و یک آزمون تستی با پاسخ کامل.

- نمونه آزمون تشریحی نیمسال نخستین تحصیلی.

- نمونه آزمون تشریحی امتحان پایان سال تحصیلی.

بدین ترتیب اگر دانش آموزان عزیز، هر درس کتاب را بخوانند و با شرح کامل آن در این کتاب تطبیق دهند، دیگر مشکلی نخواهند داشت البته به شرط آن که آزمون‌ها را نیز پاسخ بدهند و ایرادهای خود را با توجه به پاسخ کتاب برطرف سازند.

ناگفته نماند که در شرح واژه‌ها، معانی و آرایه‌ها، هیچ نکته‌ای فروگذار نشده است. بنابراین، دانش آموزان عزیز هر مشکلی را که داشته باشند، با توجه به شرح آن در کتاب رفع خواهند کرد.

امیدواریم که این خدمت ناچیز مورد توجه دیران ادیب و بزرگوار و دانش آموزان گرامی قرار گیرد.

از جناب آقای یحیی دهقانی، ریاست ارجمند و دانش‌پرور مؤسسه فرهنگی مبتکران، صمیمانه سپاسگزارم که به لطف ایشان، این کتاب به زیور طبع آراسته شده است.

دکتر علی سلطانی گردفرامری

ستایش



ستایش

لطف خدا

نوع شعر را بشناسید

این شعر از نوع مثنوی است. مثنوی؛ یعنی، دوتایی و علت نام مثنوی این است که قافیه‌های شعر دوتا دوتا هماهنگ است و هر بیت قافیه جداگانه دارد و هر دو مصراع آن دارای قافیه (مُصَرَّع) است. این نوع شعر مناسب داستان‌ها و مطالب طولانی است مانند حماسه، داستان، مطالب عرفانی و ... شعر ستایش از آغاز داستان فرهاد و شیرین وحشی انتخاب شده است.

وحشی بافقی

آشنایی با

نام اصلی او **کمال‌الدین** و اهل بافق از توابع شهرستان یزد بود. «**وحشی**» تخلص شعری اوست. وحشی شاعر قرن دهم است. (۹۶۶-۹۶۲)
اشعار وحشی بافقی بسیار پراحساس و عاشقانه است و علاوه بر انواع شعر، چند مثنوی دارد به نام‌های خلد برین - ناظر و منظور - فرهاد و شیرین

وحشی، پیش از پایان دادن به داستان فرهاد و شیرین وفات یافت و وصال شیرازی این داستان را تا پایان ادامه داد و کامل کرد.

توجه

معنی واژه‌ها به ترتیب کاربرد در شعر

چاشنی: شیرینی، آنچه به غذا می‌افزایند برای ترشی یا شیرینی که اشتها را زیاد کند.	قرین: همراه، نزدیک، همدم
حلاوت: شیرینی، شیرین شدن.	ادبار: بدبختی
حلاوت سنج: کسی که قدرت تشخیص شیرینی و زیبایی را دارد.	اقبال: خوشبختی
بیان: سخن، گفتار	توفیق: توجه و لطف خداوند، یاری خداوند در رسیدن
نژند: افسرده، غمگین	بندگان به آرزوی خود
احسان: نیکی، بخشش	تدبیر: اندیشیدن و سرانجام کار را بررسی کردن
می‌بایست: لازم بود.	رای (رای): اندیشه، عقیده
نی: شکل دیگری از واژه «نه»	خرد: عقل، نیروی درک عقلانی
	ابد: پایان عالم
	تیره‌رای: نداشتن نیروی درک و فهم درست

آرایه‌های ادبی

- بیت ۱- هجاء ← زبان: گفتار و سخن / حسن آمیزی ← چاشنی و حلاوت در زبان و بیان / مراعات نظیر ← زبان و بیان (تناسب)
- بیت ۲- کنایه ← مفهوم مصراع اول / هجاء ← دل: احساس و عاطفه
- بیت ۳- استعاره ← احسان، به دلیل داشتن در که متعلق به یک محل است. / کنایه ← مفهوم مصراع اول
- بیت ۴- هجاء ← موی، به جای مقدار بسیار اندک / تضاد ← بیش و کم
- بیت ۵- تضاد ← اقبال و ادبار
- بیت ۶- تشخیص ← توفیق، به دلیل نسبت دادن پا به آن / کنایه ← مفهوم مصراع اول / مراعات نظیر ← تدبیر و رای
- بیت ۷- حسن آمیزی ← روشنایی عقل و تیره بودن رای / تضاد ← تیره و روشن
- بیت ۸- تشخیص ← عقل، به دلیل سخن گفتن / جناس ناهمسان ← آن و این (که تضاد هم دارند).

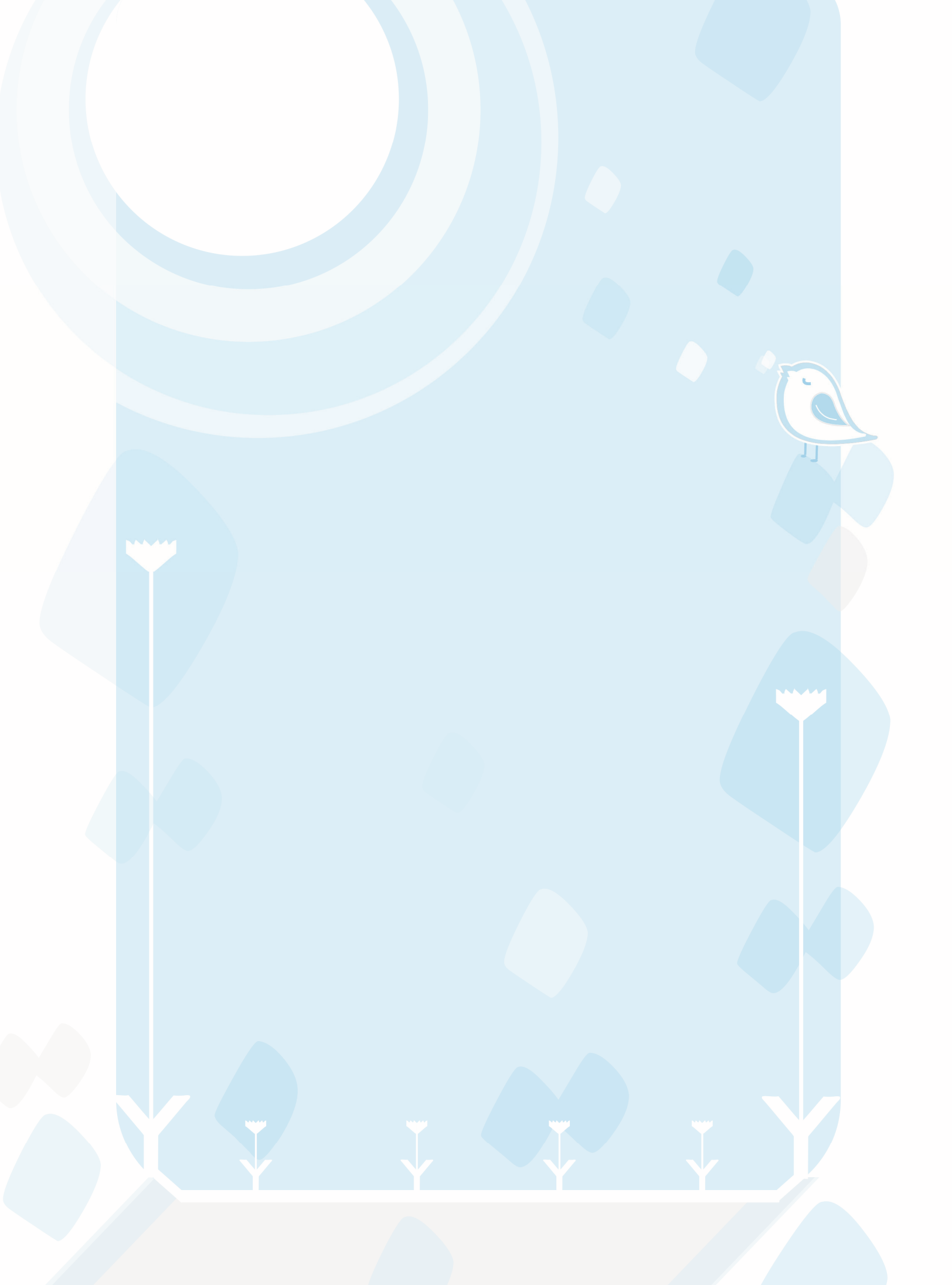
معنی ابیات

- بیت ۱ به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها
 معنی سخنم را با نام خداوندی آغاز می‌کنم که به گفتار آدمیان، زیبایی و جذابیت داده است و این توانایی را که انسان بتواند زیبایی را در سخنان دیگران درک کند.
- بیت ۲ بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش
 معنی خداوند هر کس را که بخواند، سربلند و با افتخار می‌گرداند و هر که را بخواند ناراحت و غمگین می‌سازد.
- بیت ۳ در ناپسته احسان گشاده‌ست به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست
 معنی خداوند، بخشش و لطف خود را همواره در مورد آدمیان به کار می‌گیرد و آنچه را که لازم باشد، به آنان می‌بخشد.
- بیت ۴ به ترتیبی نهاده وضع عالم که نی یک موی باشد بیش و نی کم
 معنی خداوند در آفرینش پدیده‌های جهان و چگونگی آن‌ها یک ذره کم و زیاد به کار نبرده و همه چیز را کامل آفریده است.
- بیت ۵ اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها اقبال گردد
 معنی اگر خداوند بخواند، تمامی رنج‌ها و بدبختی‌های انسان به خوشی و خوشبختی تبدیل خواهد شد.
- بیت ۶ وگر توفیق او یک سو نهاد پای نه از تدبیر کار آید نه از رای
 معنی اگر یاری و توجه خداوند شامل حال آدمیان نباشد، اندیشه و دوراندیشی آنان به هیچ نتیجه‌ای نخواهد رسید.
- بیت ۷ خرد را گر نبخشد روشنایی بماند تا ابد در تیره رای
 معنی اگر پروردگار به آدمیان نیروی راستین و اندیشه و عقل ندهد، آنان هیچ‌گاه به اندیشه راستین پی نمی‌برند و از آن بهره نمی‌گیرند.
- بیت ۸ کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ آگاه
 معنی انسان عاقل هنگامی به کمال واقعی می‌رسد که به این نکته پی ببرد که همه دانایی‌های خود را از سوی خداوند بداند؛ نه از نیروی درک خودش.

فصل ۱

ادبیات تعلیمی

- ◆ درس یکم: نیکی
- ◆ گنج حکمت: همّت
- ◆ درس دوم: قاضی بُست
- ◆ شعرخوانی: زاغ و کبک
- ◆ آزمون تشریحی فصل اوّل
- ◆ آزمون چهارگزینه‌ای فصل اوّل



درس یکم

نیکی

چنان‌که از نام «ادبیات تعلیمی» متوجه می‌شویم، موضوع این‌گونه شعر یا نثر، آموختن موضوعات گوناگون به انسان است مانند اخلاق، عرفان، نیکی، دین یا مفهوم واژه‌ها باشد. این‌گونه ادبیات به صورت نثر مانند کلیله و دمنه یا شعر مانند مثنوی مولوی، بوستان سعدی یا به صورت داستان‌هایی به شعر یا نثر است.

توجه

الف این شعر سعدی هم مانند شعر ستایش آغاز کتاب در قالب مثنوی است چون قافیه هر بیت مستقل و در هر دو مصراع است.

نکته

ب بوستان سعدی (یا سعدی‌نامه) دارای ده باب است که نشان‌دهنده یک جامعه آرمانی در نظر سعدی است:

در عقل و تدبیر و رای - در احسان - در عشق و مستی و شور - در تواضع - در رضا - در قناعت - در عالم تربیت - در شکر بر عافیت - در توبه و راه صواب - در مناجات و ختم کتاب شعر این درس از باب احسان انتخاب شده است.

معنی واژه‌ها به ترتیب کاربرد در شعر

جیب: گریبان	روبه: روباه
تیمار خوردن: غمخواری کردن	فرمانند: حیرت کرد، تعجب کرد.
چنگ: مجازاً دست	صنع: آفرینش، اعمال
محراب: عبادتگاه	توجه: «چون» در بیت دوم، نقش قید پرسشی دارد به معنی «چگونه»
دغل: بدکار، دوروی	به سر می‌برد: ادامه می‌دهد، انجام می‌دهد.
شل: دارای دست و پای ناقص	درویش: در اصل؛ یعنی، انسان فقیر اما در عرفان به مفهوم عارف و شناسای راستین خداست.
ماند: برجا بماند، باقی بماند	شوریده‌رنگ: کنایه از آشفته‌حال و ناراحت
بخشایش: لطف و عفو	نگون‌بخت: بدبخت
دون‌همت: شخص بی‌شخصیت و بی‌اراده	قوت و روزی: خوراک روزانه، حداقل خوراک روزانه
سرا: منزل و در این‌جا مجازاً جهان	شد: رفت
دو سرا: جهان مادی و جهان پس از مرگ	

آرایه‌های ادبی

- بیت ۱- مراعات نظیر** ← دست و پا - لطف و صنع در مورد خدا / **کنایه** ← فروماندن در چیزی
- بیت ۲- کنایه** ← به سر می‌برد / **مراعات نظیر** ← دست و پا
- بیت ۳- کنایه** ← شوریده‌رنگ / **جناس ناهمسان** ← چنگ با رنگ / **مراعات نظیر** ← شیر و شغال
- بیت ۴- کنایه** ← نگون‌بخت / **جناس ناهمسان** ← شیر و سیر / **مراعات نظیر** ← روباه و شغال
- بیت ۵- کنایه** ← روزی‌رسان (= خدا) / **جناس ناهمسان** ← روز و روزی
- بیت ۶- مجاز** ← بیننده = آگاه / **کنایه** ← تکیه بر چیزی کردن / **اشتقاق** ← بیننده و دیده
- بیت ۷- تشبیه** ← نشستن مانند مور / **تضاد** ← مور و پیل / **جناس ناهمسان** ← مور و زور / **کنایه** ← به کنجی نشستن
- بیت ۸- کنایه** ← مصرع اول / **جناس ناهمسان** ← جیب و عیب
- بیت ۹- کنایه** ← تیمار خوردن - مفهوم مصراع دوم / **جناس ناهمسان** ← دوست و پوست / **تضاد** ← بیگانه و دوست / **مراعات نظیر** ← رگ، استخوان و پوست
- بیت ۱۰- جناس ناهمسان** ← هوش و گوش / **تشخیص** ← سخن گفتن دیوار محراب
- بیت ۱۱- تشبیه** ← انسان به شیر درنده - تشبیه انسان به روباه شل / **کنایه** ← مفهوم هر دو مصراع / **تضاد** ← در این‌جا: شیر درنده و روباه شل
- بیت ۱۲- تشبیه** ← انسان به شیر و انسان به روبه وامانده
- بیت ۱۳- مجاز** ← بازو = نیروی تلاش / **کنایه** ← مصراع دوم
- بیت ۱۴- تضاد** ← جوان و پیر / **کنایه** ← مفهوم هر دو مصراع
- بیت ۱۵- مراعات نظیر** ← خدا و خلق / **مجاز** ← خلق = آفریدگان خدا
- بیت ۱۶- جناس ناهمسان** ← پوست و دوست / **مجاز** ← سر = شخص / **مراعات نظیر** ← مغز و پوست / **کنایه** ← مفهوم هر دو مصراع / **مراعات نظیر** ← سر و مغز
- بیت ۱۷- اشتقاق** ← نیک و نیکی / **مجاز** ← دو سرا = دنیا و آخرت / **مجاز** ← خلق در این‌جا: آفریدگان

نکته زبانی

در مصراع «ز دیوار محرابش آمد به گوش» جهش ضمیر وجود دارد: ز دیوار محراب به گوشش آمد

معنی ابیات

- بیت ۱** یکی روبه‌ی دید بی‌دست و پای فروماند در لطف و صنع خدای
- معنی** شخصی، یک روباه را دید که دست و پایش فلج بود (به احتمال ضعیف: یا دست یا پا نداشت) و بدین جهت از لطف و کار خداوند شگفت‌زده شد.
- بیت ۲** که چون زندگانی به سر می‌برد بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
- معنی** که این روباه با این دست و پای ناتوان و فلج، چگونه می‌تواند زندگانی کند و از کجا غذا به دست می‌آورد؟ (این دو بیت موقوف‌المعانی هستند.)

- بیت ۳** در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ
معنی آن عارف رنج‌دیده، در این فکر بود که ناگهان شیری به آن‌جا وارد شد در حالی که شغالی را شکار کرده بود و با خود می‌آورد.
- بیت ۴** شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد
معنی شیر آن شغال بدبخت را کشت و خورد اما مقداری از گوشت شغال باقی ماند که روباه هم آن را خورد و سیر شد.
- بیت ۵** دگر روز باز اتفاق افتاد که روزی‌رسان قوتِ روزش بداد
معنی فردای آن روز هم وضعی پیش آمد که خداوند، غذای روباه را برایش فراهم کرد.
- بیت ۶** یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد
معنی آن مرد با دیدن آن وضع، به لطف خداوند اطمینان پیدا کرد؛ آن‌گاه از آن‌جا رفت در حالی که به خدا توکل داشت.
- بیت ۷** کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور
معنی آن مرد با خود گفت: از این پس مانند مورچه (به جای کار) گوشه‌نشینی می‌کنم زیرا فیل هم با آن‌همه قدرت نمی‌تواند بدون لطف خدا و با زور، روزی خود را حاصل کند.
- بیت ۸** زخندان فرو برد چندی به جیب که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
معنی آن مرد چند روزی بدون تلاش در کسب روزی گوشه‌نشینی کرد و امیدوار بود که خداوند روزی او را برایش می‌فرستد.
- بیت ۹** نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
معنی در آن مدت نه دوستی برای او غمخواری کرد و نه بیگانه‌ای و هنگامی که از شدت ضعف، پوست بر بدنش خشک شده بود.
- بیت ۱۰** چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش:
معنی زمانی که از شدت ضعف بدنی و درک، قدرت تحملش تمام شد، ناگهان از دیوار معبد صدایی به گوشش رسید:
- بیت ۱۱** برو شیر درنده باش، ای دغل مینداز خود را چو روباه شل
معنی صدا گفت: ای آدم نفهم و دورو، خود را مانند آن روباه - که دست و پایش ناتوان بود - بی‌تلاش در طلب روزی نکن.
«این سه بیت موقوف‌المعانی هستند.»
- بیت ۱۲** چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟
معنی آنچنان در طلب روزی تلاش کن که باقیماندهٔ غذای خود را به دیگران بدهی؛ نه این‌که مانند روباه ناتوان، از غذای دیگری سیر شوی.
- بیت ۱۳** بخور تا توانی به بازوی خویش که سعوات بود در ترازوی خویش
معنی هرچه می‌توانی در طلب روزی تلاش کن زیرا هرکس به اندازهٔ تلاش خود به نتیجه می‌رسد.
- بیت ۱۴** بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفگن که دستم بگیر
معنی ای جوان، به فقیران که سال‌ها یاری کن؛ نه این‌که خودت تنبلی کنی و محتاج کمک دیگران باشی.
- بیت ۱۵** خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است
معنی لطف خداوند شامل کسانی می‌شود که مردم از وجود آنان بهره‌مند شوند (به دیگران سود برسانند).

بیت ۱۶ کَرَم و رزد آن سر که مغزی در اوست که دون همّتانند بی مغز و پوست

﴿معنی﴾ انسانی که قدرت اندیشه و درک دارد، به دیگران بخشش می کند اما انسان های بی شخصیت و بی اراده، با ظاهر انسانی اندیشه درست ندارند.

بیت ۱۷ کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلقِ خدای

﴿معنی﴾ کسی در دنیا و آخرت نیکی می بیند که به آفریدگان خداوند یاری برساند.

«بوستان، سعدی»

گارگاه متن پژوهی

قلعرو زبانی

۱- الف: دغل: نادرست، ریاکار

ب: جیب: گریبان، یقه

پ: دون همّتی: ناسپاسی و خسیس بودن

۲- دگر روز

۳- «شد» در بیت اول فعل ماضی اسنادی است که وضعیّت واژه قبل از خود را نشان می دهد اما «شد» در بیت دوم، فعل ماضی است به معنی «رفت» که عمل کسی را نشان می دهد.

الف: دستم درد می کند. - یک دست استکان خریدم.

ب: اتومبیل، مسیر را تند می پیماید. - او گاهی سخنان تند و تیز می گوید.

قلعرو ادبی

۱- الف: تکیه بر آفریننده کرد: به خداوند امیدوار شد.

ب: زنخدان فرو برد چندی به جیب: مدتی گوشه نشینی اختیار کرد.

۲- زیرا «چنگ» اولی به معنی «نوعی ساز موسیقی» و «چنگ» دوم به معنی دست است.

۳- الف: مصراع اول: تو: مشبه - شیر: مشبه به - چو: ادات تشبیه - چیزی ماندن: وجه شباهت

ب: مصراع دوم: تو (مفهوم شناسه «ی» در باشی): مشبه - روباه: مشبه به - چو: ادات تشبیه - سیر شدن: وجه شباهت

۴- «شیر» در این شعر، نماد کسانی است که به دیگران سود می رسانند اما «روباه» نماد انسان های درمانده و ناتوان است.

- ۱- تا می‌توانی روزی خود را با تلاش خود به دست آور زیرا میزان درآمد و روزی انسان به میزان تلاش او بستگی دارد.
 ۲- انسان باید به لطف خداوند مطمئن باشد و همواره به خداوند توکل کند.

- ۳- **الف** برو شیر درتده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل (و تلاش کن)
 و تا حدی: چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روباه وامانده سیر
ب بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر
پ بخور تا توانی به بازوی خویش که سعيات بُود در ترازوی خویش

- ۴- درست است که خداوند روزی هرکسی را مقدر کرده است اما باید برای به دست آوردن آن تلاش کرد. علاوه بر آن باید به دیگران نیز کمک کنیم تا مورد لطف و رحمت خدا باشیم.

گنج حکمت

هَمَّت

معنی واژه‌ها به ترتیب کاربرد در درس

- | | |
|----------------------|----------------------|
| می‌کشد: حمل می‌کند | هَمَّت: تلاش و اراده |
| حمیت: مردانگی و غیرت | زورمندی: داشتن قدرت |
| تن: بدن | گرانی: سنگینی |
| | چون: چگونه |

آرایه‌های ادبی

کنایه ← به زورمندی کمر بسته: با قدرت آماده شده است.

استعاره تشخیص ← بازوی حمیت

معنی چند جمله‌ی درس

- هَلْخِ را ده برابر خود برداشته. ← ملخی را برداشته است که ده برابر خودش وزن دارد.
 - مردان، بار را به نیروی هَمَّت و بازوی حمیت کشند؛ نه به قوَّت تن. ← انسان‌های واقعی، مشکلات و سختی‌ها را با قدرت اراده و مردانگی خود حمل می‌کنند؛ نه با قدرت بدنی.

بهارستان جامی کتابی است به شیوه گلستان سعدی.

درس دوم

قاضی بُست



تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی، نوشته ابوالفضل بیهقی (ه. ق. ۴۷۰-۳۸۵) است که بخش اعظم آن مربوط به حوادث دوران پادشاهی مسعود غزنوی است اما مطالبی نیز در مورد سامانیان و صفاریان دارد. بیهقی در بیان جزئیات مطالب، بسیار دقیق بوده است و علاوه بر آن، صداقت، پختگی و استواری در بیان خود دارد.



بیهق نام قدیم سبزوار بوده است و بُست شهری است در شمال افغانستان.

معنی واژه‌ها به ترتیب کاربرد در درس

صفحة ۱۷

شبگیر: آغاز سپیده‌دم، پگاه

برنشست: سوار بر اسب شد.

کران: کنار، ساحل

هیرمند: نام رودخانه‌ای در افغانستان

بازان: بازهای شکاری

یوزان: یوزپلنگ‌های شکاری (که آن‌ها را تربیت می‌کردند).

حَسَم: اسم جمع است و در این درس؛ یعنی، خدمتکاران

ویژه (جمعش: احشام)

ندیم: همدم، همنشین

مُطرب: نوازنده ابزار موسیقی

چاشتگاه: زمان بین صبح و ظهر (زمان خوردن چاشت)

صید: شکار

کران: ساحل، کنار

فرود آمدند: منزل کردند.

شرع: خیمه و در این‌جا: سایه‌بان

نشاط: شادمانی

قضا: حکم سرنوشت

ناو: کشتی

نشست: نشستن، اقامت

جامه‌ها: در این‌جا: گستردنی‌ها و رختخواب‌ها

از هر دستی: از طبقات گوناگون

دریدن: در هم شکستن

هزاهز: آشوب و حادثه‌ای که مردم را به جنبش درآورد.

غریو: فریاد شدید

خاست: ایجاد شد

مبشّران: مژده‌دهندگان، کسانی که خبر خوش بیان کنند.	کوفته: مجروح، ضربه دیده
سرسام: سردرد، سرگیجه	افگار: زخمی
بار: اجازه ملاقات	دوال: مقداری به اندازه یک تسمه
محبوب: ناپیدا، دور از نظر	ایزد: خدا
اطبّا: جمع طیب: پزشکان	رحمت: مهربانی، ترحم
صفحة ۱۸	نمودن: نشان دادن
عارضه: پیشامد، حادثه	سور: جشن و شادی
افتاده بود: روی داده بود، ایجاد شده بود	کرانه: ساحل
نُکت: جمع نکته: در این جا: مطالب مهم	فرود آمد: داخل شد
کراهیت: ناخوشایندی	تباه: خراب و ناراحت
فرودِ سرای: درون خانه (کاخ)	برنشست: سوار اسب شد
آغاجی: دربان و پرده‌دار مخصوص	کوشک: کاخ (قصر) پادشاهی
خادم: خدمتگزار	اضطراب و تشویش: هر دو: نگرانی شدید
خیر خیر: سریع، بیایی	اعیان: (جمع عین) مجازاً بزرگان
ندیدمی: نمی‌دیدم	لشکری: سپاهی، عضو ارتش
بشارت: مژده، خبر خوش	رعیت: مردمان کشور
بستند: گرفت	صدقه: بخشش در راه خدا
می‌بخواند: به حضور خود می‌طلبد.	فرمود: دستور داد
خانه: مجازاً اتاق	غزنین: شهری در افغانستان که زادگاه سلطان محمود و مسعود بود.
کتان: گیاهی است که پوست آن را مانند پنبه می‌ریسند و لباس یا پرده می‌دوزند.	صعب: سخت و دشوار
تاس: ظرف مسی بزرگ	مقرون: همراه
زبر: بالا	مثال: فرمان
توزی: بافته شده در شهر توز از جنس کتان	هزارهزار: یک میلیون
مخنقه: گردن‌بند	درم: سکه نقره
عقد: گردن‌بند	شکر: سپاس
کافور: ماده سفید خوشبو که عصاره یک گیاه است.	نپشته آمد: نوشته شد
دُرست: سالم	توقیع: امضا
بار: اجازه ملاقات	مؤکد: قطعی

عَلَّت: بیماری
 زایل شد: برطرف شد، از بین رفت.
 آنچه رفت: آنچه اتفاق افتاد.
 عَزَّوَجَلَّ: عزیز (گرامی) و بزرگوار
 نیشته آمد: نوشته شد.
 دیدار: ملاقات
 همایون: مبارک، خجسته
 تویع کرد: امضا کرد
 گسیل کرده شود: فرستاده شود
 بازآی: برگرد
 در بابی: در یک مورد معین
 نامه توقیعی: نامه امضا شده
 دبیر: منشی، نویسنده
 کافی: باکفایت، استاد
 نماز پیشین: نماز ظهر
 مهمات: کارهای مهم
 فارغ: آسوده
 خیل‌تاش: گروه نوکران و چاکران
 گسیل کرده بود: فرستاده بود
 رُقعت: نامه کوتاه و مختصر
 باز نمود: یادآوری کرد، شرح داد
 زرپاره: طلا به صورت سکه
 غَزَو: جنگ در راه دین
 بَتَّانِ زَرَّین: بت‌هایی از جنس طلا
 صدقه: بخشش در راه خدا
 پاره کرده: به سکه تبدیل کرده

سخت: شدید، فوق‌العاده
 بی‌شبهت: بدون تردید
 تنگ‌دست: بدون ثروت، نیازمند
 ضیعت: زمین زراعتی
 فراخ‌تر: آسوده‌تر
 لختی: مقداری، اندکی
 گزارده باشیم: ادا کرده باشیم
 بستدم: گرفتم
 خداوند: در این جا: مجازاً پادشاه
 صفحه ۱۹
 درم: سکه نقره
 بخواند: دعوت کرد، نزد خود طلبید
 صلت: بخشش
 در بایست: نیازمندی
 وزر: گناه
 وِبَالَ: سختی، عذاب
 امیرالمؤمنین: در این جا خلیفه عباسی
 خداوند: در این جا: فرمانده، حاکم
 سنّت: روش
 عهده: مسئولیت
 عمید: مورد اعتماد
 علی ایّ حال: در هر صورت
 واجب کردی: واجب می‌کرد (می‌شد)
 حُطام: مال اندک
 اندیشه‌مند: فکری و ناراحت
 رُقعت: نامه کوتاه و مختصر

آرایه‌های ادبی

صفحه ۱۷

سطرهای ۳-۱ مراعات نظیر ↵ بازان و یوزان - حَشَم و ندیمان - خیمه و شراع
سطرهای ۱۲ تا ۱۴ - مراعات نظیر ↵ کشتی و ناو - آب و کشتی - بانگ، هزاهز و غریو - پوست و گوشت - سور و شادی -
 کشتی و رود / **هجاز** ↵ دست: نوع / **کنایه** ↵ نشستن و دریدن گرفت = شروع به غرق شدن و در هم شکستن کرد. /
حسن آمیزی ↵ تیره شدن شادی و سور
سطرهای ۱۳ تا ۱۵ - **کنایه** ↵ از آن جهان آمده (عمر دوباره یافته) / **حسن آمیزی** ↵ سخت ناخوش / **مراعات نظیر** ↵ وزیر و
 پادشاه - اعیان و وزیر

سطرهای ۱۶ تا ۱۸ - **مراعات نظیر** ↵ غزنین و مملکت - مستحقان و درویشان

سطرهای ۱۹ تا ۲۱ - **مراعات نظیر** ↵ تب و سرسام / **تضاد** ↵ مرد و زن / **کنایه** ↵ محبوب گشت از مردمان / **هجاز** ↵
 دل‌ها: احساس افراد

صفحه ۱۸

سطرهای ۱۰ تا ۱۰ - **مراعات نظیر** ↵ نامه، خط و نکته / **کنایه** ↵ نُکت بیرون می‌آورد.

سطرهای ۱۱ تا پایین ورق - **هجاز** ↵ خانه به جای اتاق - درست: سالم / **مراعات نظیر** ↵ خانه و پرده - مخنقه و پیراهن - عَلت
 و تب - مخنقه و گردن - عَقْد و گردن / **هجاز** ↵ سخت: شدید / **مراعات نظیر** ↵ سجده شکر و خدا - نامه، دوات و
 توقیع، توقیعی و توقیع - خیل‌تاش و سوار - رقعت و نوشتن / **کنایه** ↵ قلم در نهاد (شروع کرد به نوشتن) / **مراعات نظیر** ↵
 کیسه و زر - هندوستان و بت - پدر و پسر - ابوالحسن و پسرش / **کنایه** ↵ پاره کرده (به سگه تبدیل کرده) - تنگدست:
 نیازمند - فراختر (راحت‌تر)

صفحه ۲۰

سطرهای ۱ تا ۶ - **حسن آمیزی** ↵ سخت نیکو / **کنایه** ↵ مرا به کار نیست / **مراعات نظیر** ↵ قیامت و حساب - وزر و وبال
سطرهای ۷ تا ۱۱ - **مراعات نظیر** ↵ بتخانه و بت - غَزُو و شمشیر / **کنایه** ↵ بتان شکسته و پاره کرده / **هجاز** ↵ خداوند /
تلمیح ↵ غزو و سَنَت مصطفی / **کنایه** ↵ در عهده او نشوم
سطرهای ۱۲ تا پایان ورق - **مراعات نظیر** ↵ مستحقان و درویشان / **کنایه** ↵ مرا چه افتاده است که زر کسی دیگر برد و شمار
 آن به قیامت مرا باید / **مراعات نظیر** ↵ حساب و قیامت / **کنایه** ↵ از حساب و توقّف و پرسش قیامت بترسم.